

معیارهای طراحی محلات مبتنی بر رویکرد شهر دوستدار کودک (نمونه موردی: محله فرهنگ مشهد)

مریم متینی*، کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات زنجان
نوید سعیدی رضوانی، استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین
رضا احمدیان، استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات زنجان

چکیده

از آنجا که کودکان عامل پیوند نسل های گذشته و آینده در هر جامعه محسوب می شوند و با توجه به اینکه قسمت عمده ای از جامعه ما را تشکیل می دهند، تلاش برای ایجاد محیطی مناسب برای رشد کودک و آشنایی با نیازها و سرشت فطری او که در دوران کودکی به آن نیاز مند است، ضروری است. در این میان طراحی محلات بعنوان اولین عرصه عمومی که کودکان در تعامل با آن قرار می گیرند، مورد اهمیت است. در سالهای اخیر کامل ترین پژوهش در رابطه با کودکان در قالب رویکرد شهردوستدار کودک انجام گرفته است، اما بیشتر این تحقیقات به جنبه های حقوقی کودکان پرداخته اند. این پژوهش بر آن است که به جنبه های فضایی-کالبدی این موضوع بپردازد. برای تحقق این امر با هدف اصلی دستیابی به ویژگی های ساختاری محلات براساس رویکرد شهر دوستدار کودک، باروشهای کیفی، پرسشنامه، مصاحبه و تحلیل های گرافیکی (تحلیل عکس، نقشه و نقاشی کودکان) نظرهای کودکان و فضاهای محله بررسی گردید. برای پیاده سازی این روش ها محله فرهنگ شهر مشهد به عنوان نمونه موردی انتخاب شد. کودکان سنین ۵ تا ۱۱ سال و تعدادی از والدین آنها با روش های پرسشنامه، مصاحبه و نقاشی مورد مشارکت قرار گرفتند و با استفاده از تحلیل های گرافیکی فضاهای مرتبط با کودکان و نیازهای آنها بررسی گردید. اطلاعات بدست آمده از روش های مختلف مورد تحلیل قرار گرفت و در پایان به عنوان نتیجه معیارهایی برای طراحی محلات از جمله خوانایی، دسترسی و نفوذ پذیری، هویت، حضور پذیری و مشارکت مطرح گردید.

واژگان کلیدی

کودک، محله، شهردوستدار کودک، مشهد

مقدمه

تعامل کودک با محیط از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. به گونه ای که این تعامل، از شکل گیری شخصیت تا رشد جسمی و ذهنی کودک را در بر می گیرد. لذا تأکید بر ایجاد فضاهایی راحت، ایمن، قابل دسترس، پاسخگو، جذاب، خلاق و زمینه ساز جهت رشد جسمی و ذهنی کودک از جمله نکاتی است که با استناد به تحقیقات به دست آمده و بر اساس واقعیات روان شناختی کودک، طراحان و برنامه ریزان می بایست در ساخت فضاهای شهری مورد استفاده کودکان مورد توجه قرار دهند. بدیهی است که تعامل پویای کودک و جستجو و کشف قابلیت های محیطی مستلزم مشارکت فعال وی در شکل دهی و بهره برداری از محیط خواهد بود. کودک از طریق مشارکت محیطی، حس اجتماع محلی، آگاهی محیطی، حس تعلق و مؤثر بودن را درک خواهد کرد (Sutton et al, 2002:174).

مشارکت عمومی در قلب فرآیند برنامه ریزی خوب قرار دارد و بصورت گسترده به عنوان یک امر خوب برای برنامه ریزان اعلام شده است. اما فقط در دهه ۱۹۹۰ کودکان و نوجوانان به لیست گروه هایی که برنامه ریزان در فرآیند برنامه ریزی باید مورد توجه ویژه قرار دهند اضافه گردیدند. کاتالیزور اولیه برای این منظور، کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (UNICEF, 1992) بود (Gleeson & Sipe, 2006:70). مفهوم دوستی کودک مبنای این کنوانسیون قرار گرفت و شهر دوستدار کودک مطرح گردید. پروژه های شهردوستدار کودک به طور عمده برای ایجاد فرصت برای کودکان در راستای شکل دادن و یا تغییر محیط پیرامون شان است.

از این منظر طرح های دوستدار کودک به دنبال اعطای حق شهروندی به بچه ها، توسعه آگاهی، بالابردن مشارکت جمعی، کم کردن میزان خشونت علیه کودکان، توجه به موضوعات زیست - محیطی و .. است (کامل نیا، ۱۳۸۸). ابتکار یونیسف در شهر دوستدار کودک این است که از خود بچه ها و جامعه برای شناسایی نیازهای محله ها کمک بگیرد و با برگزاری کارگاههای آموزشی این نیازها را شناسایی و روی آنها کار کند. محلات اولین فضای عمومی که کودکان در بیشترین تعامل با آن قرار دارند و بیشترین تجربه فضایی را از آن کسب می نمایند، هستند. در شهرهای با رویکرد دوستدار کودک از مهمترین پروژه هایی که مطرح می گردد، طراحی محلات بر اساس مشارکت کودکان و بکارگیری دیدگاههای آنها است. در این زمینه موضوع اساسی، ساختارهای فضایی - کالبدی محله ونحوه شکل گیری آنها برای برآوردن نیازهای کودکان می باشد. بدین منظور در این تحقیق به بررسی نمونه موردی محله فرهنگ شهر مشهد و بررسی نیازهای کودکان آن پرداخته می شود، تا با شناسایی این نیازها با مشارکت کودکان طراحی مناسب دوستدار کودک ارائه گردد. برای تحقق این موضوع به دنبال پاسخ به این سوال اصلی هستیم که ساختار فضایی محلات باید دارای چه ویژگی هایی گردند تا منطبق بر رویکرد شهردوستدار کودک شوند؟ و به سوال های فرعی همچون نیازهای کودکان در محلات شهر مشهد چیست؟ عناصر کالبدی مهم برای کودکان، روابط و ویژگی های آنها در ساختار محلات شهر مشهد چیست؟ معیارها و شاخصه های طراحی محلات دوستدار کودک با توجه به ویژگی های کشور و خصوصاً شهر مشهد چیست؟ نیز پاسخ داده می شود.

چارچوب نظری تحقیق

کودک: تعاریف و مفاهیم پایه

در فرهنگ فارسی معین کودک به عنوان فرزندی که به حد بلوغ نرسیده است تعریف شده است، در ماده یک کنوانسیون حقوق کودکان و همین طور در ماده یک قانون حمایت از حقوق کودکان مصوب ۱۳۸۱ افراد انسانی زیر ۱۸ سال بعنوان کودک معرفی شده اند. کودکان زیر ۱۸ سال را در ۵ دسته می توان گروه بندی نمود (رضوانی و حبیبی، ۱۳۸۷).

جدول ۱: گروه بندی سنی کودک (رضوانی و حبیبی، ۱۳۸۷)

نوزاد ^۱	۰-۲ سال
پیش دبستانی ^۲	۲-۵ سال
دبستانی ^۳	۵-۱۱ سال
نوجوان ^۴	۱۱-۱۴ سال
نوجوان ^۵	۱۴-۱۸ سال

با توجه به این گروه بندی و از آنجا که کودکان ۶-۸ سال تا ۳۰۰ متر و ۸-۱۲ سال تا ۹۰۰ متر (داوودی مقدم، ۱۳۸۹) از خانه خود فاصله می گیرند و عملاً وارد محیط محله و فضاهای شهر می شوند در این تحقیق گروه سنی ۵-۱۱ سال برای سن کودک در نظر گرفته شده است.

کودک و تاثیر پذیری از محیط

کودکی و پرداختن به آن به طور خاص قدمت زیادی ندارد. طبق آنچه که مارک دودک در معماری مهد کودک می گوید؛ ایده نگاه به کودکی از غرب و در اواخر قرن ۱۷ میلادی صورت گرفته است (Day, 2007). جان لاک معتقد است که تجربه های نخستین آدمی عمیقاً بر زندگی بعدی او اثر می گذارند و بر همین اساس بر نقش تربیت و اهمیت پرورش تاکید می کند.

پیاژه در سال های دهه ۱۹۲۰ به این نتیجه رسید که کودکان در مقایسه با بزرگسالان، جهان را به طور دیگری می بینند. کودکان محیط پیرامون خود را تغییر می دهند تا وضعیت خودشان را بهبود بخشند (Day, 2007). برخلاف بزرگسالان که محیط را از طریق فرم درک می کنند، جنبه هایی از محیط برای کودکان مهم است که بتوانند محیط را بر اساس کاربری های مختلفی که به آن می دهند، تغییر دهند. بچه ها به ویژگی های جزیی و تصادفی محیط توجه می کنند. مطالعات پوکک و هادسون (۱۹۷۸) حاکی از توجه بیشتر کودکان به جزییات کف، ویژگی های بدنه جاده و فضاهای بازی کودک دارد (لنگ، ۱۳۸۱). منبع الهام کودک محیطی است که در آن احاطه شده و منبع الهام بزرگسالان، خود اوست.

¹-Infant

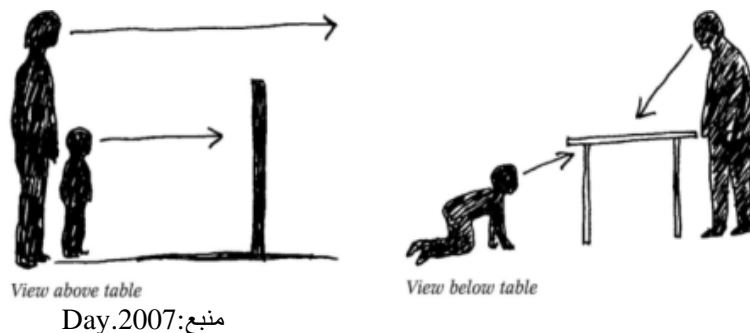
²-Pre school/aged children

³-School- aged children

⁴-Pre teens

⁵-Teens

شکل ۱: ادراک کودک از محیط



منبع: Day, 2007.

تعریف محله

بطور کلی مفهوم واژه محله می تواند از ابعاد مختلف اجتماعی، روانشناسی، ذهنی، ادراکی، معماری (کالبدی) و سیاسی تعریف شود. هریک از ابعاد مختلف، تعریف خاص خود از محله را ارائه می دهند. از سوی دیگر، این تعاریف در جوامع مختلف و نیز در مقاطع تاریخی مختلف می توانند متفاوت باشند. برای مثال براساس ادبیات جهانی، دو واژه township و neighborhood را می توان به منزله مفهوم محله ترجمه کرد، در حالی که جمعیت آنها به ترتیب برای ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر و ۱۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفر را دربرمی گیرد. واژه اول، محله مسکونی است که دارای هویت مشخصی است، اما واژه دوم به محدوده ای اطلاق می شود که علاوه بر بزرگی در اندازه، دارای فرصت های شغلی متنوع است. به عبارتی، فرصت های شغلی از جمله مهم ترین معیارهای تعریف محله است. این محله دارای تجهیزات لازم از جمله مدرسه، سوپرمارکت و مراکز تفریحی است (Barton, et al, 2003).

در شهرسازی "Community" یک ناحیه مسکونی متشکل از چند واحد همسایگی همجوار است که همگی از تسهیلات و خدمات مرکز آن ناحیه بهره مند می گردند (وزارت کشور، ۱۳۷۸، ۸۴). همچنین این واژه محله را علاوه بر ابعاد فیزیکی و کالبدی، برخوردار از ابعاد اجتماعی دیده و به برقراری ارتباطات اجتماعی و استفاده از سرمایه های اجتماعی در محله اشاره می نماید.

رابرت کوان در فرهنگ شهرسازی، محله را یک بخش از شهر، فضای اطراف برخی مکان ها یا چیزها و قسمت شناخته شده ای از محیط شهر با کاربری مختلط می داند که با ساختار شهر رابطه تنگاتنگی دارد (Cowan, 2005).

آندره دوانی و پلاتر زیبرگ-سردمداران جنبش نو شهرسازی در ایالات متحده، محله را قسمت برنامه ریزی شده ای از شهر با فعالیت های گوناگون انسانی در اطراف یک مرکز قابل تشخیص ساماندهی شده، می داند. در جدول (۱) تعاریف محله از ابعاد مختلف اجتماعی، زیبایی، کالبدی و... آورده شده است.

جدول ۱: تعریف محله از ابعاد مختلف

مفهوم	حوزه معنایی	مولفه ها و جنبه های تعریف
ذهنی/ادرونی	بوم شناختی/فرهنگی/تاریخی	نام/مفهوم نمادین و فرهنگی/عوامل مذهبی و عقیدتی/اسیمای ذهنی/احس تعلق
	زیباشناختی	هویت قابل تشخیص/نشانه ها/عوامل حسی و ادراکی
	اجتماعی	سیمای ذهنی و ادراکی ساکنین/قلمرو یک گروه اجتماعی/بنیادی برای شکل گیری و تقویت حقوق و نظام اجتماعی/هم پیوندی اجتماعی/غریب گز بودن/امنیت
عینی/ایرونی	سیاسی/اداری/برنامه ریزی	مرز و محدوده مشخص/کوچکترین واحد در برنامه ریزی شهری/وجود شوراها و انجمن های مردم نهاد
	عملکردی/اقتصادی	محدوده خدماتی/جریان کار و مصرف روزانه شهروندان/اشتغال بومی
	زیست محیطی	نظام ارتباطی/کیفیت زیست و زندگی/بومی بودن/آرامش
	کالبدی	محدوده های کالبدی مشخص/محل زندگی، رفت و آمد اکثریت شهروندان/سازمان و استخوان بندی محله/تراکم ساختمانی و مسکونی/استقرار عناصر خدماتی
	جمعیتی	تراکم جمعیتی/تعداد خانوارها/واحدهای مسکونی/جمعیت پذیری مشخص

منبع: ربانی، ۱۳۸۹

تأثیر ادراکی - رفتاری محله

فضاهای باز جزو عناصر اصلی یک محله محسوب می شوند و از همین روی طراحی آن اهمیت ویژه ای در ساختار محله مسکونی ایفا می نماید، به طور کلی استخوان بندی معابر تصمیم گیرنده اصلی، نحوه تفکیک کل محله به واحدهای کوچک تر می باشد، الگوی استخوان بندی معابر هر واحد همسایگی نیز شکل دهنده طرح کلی واحد همسایگی است. اما کیفیت نا مطلوب فضاهای باز محلات مسکونی معاصر، مشکلات متعددی را ایجاد کرده است که از جمله عدم نظارت، کنترل، فعالیت و تداوم حیات اجتماعی در آنها قابل ذکر است (پوردیهیمی، ۱۳۸۲).

کیفیت های ادراکی فضاهای باز محله نظیر انسجام، پیچیدگی، راز آمیزی، خوانایی، آشنایی، ازدحام یا آرامش در ترجیح و انتخاب کودکان برای استفاده مداوم از فضاهای محله برای امور مختلف تاثیر گذار است (مظفر و دوستان، ۱۳۸۶).

تجارب محلات مسکونی ساخته شده در بسیاری از کشورها نشان داده است که طراحی کالبد و شکل محیط محله، بدون توجه به عملکردها و خدمات محلی، افراد ساکن و نحوه تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی و از همه مهمتر نیازهای گروههای مختلف ساکنین در آنها، لزوماً فضای مطلوبی ایجاد نمی کند. بنابراین رعایت ویژگی های زیبا شناسانه، ابعاد مناسب و ملاحظات زیبایی شناسی، کیفیت محله ای مطلوب ایجاد نمی کند، عدم استفاده، خرابکاری در محیط، ناامنی، وقوع جرم و یا ترس از وقوع جرم، یکنواختی و خسته کننده بودن برخی محلات مسکونی نگرش یاد شده را تأیید می کنند. به عبارت دیگر؛ محیط های

جمعی بسیاری از این محلات پاسخگوی نیازهای ساکنان نبوده اند. بنابراین تأثیر ادراکی-رفتاری فضاهای محله هم با نیاز استفاده کنندگان از جمله کودکان و هم با قابلیت های بالقوه شکل کالبدی و محیط محله ارتباط دارد. اگر چه برخی از نیازهای ساکنان محله می تواند مشترک باشد اما نمی توان از نیازهای خاص گروه هایی نظیر کودکان و نوجوانان صرف نظر کرد. چه بسا کم توجهی به همین نیازهای کودکان بتواند ارزش فضایی محله را کاهش داده و ساکنان را به عدم استفاده از فضاهای باز و حتی جابه جایی از محله سکونتی وادار نماید (مظفردوستان، ۱۳۸۶).

قابلیت یک فرم از یک سو به نیازهای استفاده کنندگان و انگیزه های درونی آنها و از سوی دیگر به توانایی های بالقوه شکل و فرم کالبدی محیط باز می گردد، از آن جهت که از یک سو مفهوم عملکردگرایی با مجموعه وسیعی از خصوصیات انسانی درگیر بوده و از سوی دیگر به نگرش معمار نسبت به مجموعه ای از پدیده ها مرتبط می باشد، لذا طرح و طیف وسیعی از نیازهای انسانی چون زیبایی شناسی و نمادگرایی یا معنا شناسی را به عنوان بخشی از عملکرد بنا شامل گردد (مطلبی، ۱۳۸۵).

بنابراین اصل توجه به نیازهای استفاده کنندگان فضاهای محله در گروهها و طبقات مختلف اجتماعی از جمله کودکان مورد پذیرش دیدگاههای مختلف قرار دارد، اگر چه همواره چگونگی تأمین این نیازها محل اختلاف نظر بوده است. بنابر این قابلیت فضاهای محله برای بروز ادراکات و رفتارهای خاص کودکان از یک سو به نیازهای ادراکی- رفتاری کودکان و انگیزه های درونی جستجو و کشف در آنها و از سوی دیگر به توانایی های بالقوه فضاهای باز مسکونی باز می گردد.

تجربه کودکان از محیط های محلی شهری

راه رفتن بین خانه و مدرسه کودکان را قادر به یادگیری محیط اطراف می سازد. بازی و بیرون رفتن با دوستان فعالیت های قابل توجهی هستند که توسط بزرگترها نادیده انگاشته می شوند، درحالیکه آنها بخشی از تجربه دوران کودکی هستند (Cunningham et al., 1996). همانطور که (Hardin, 2000) استدلال می کند، محله بطور بالقوه بعنوان یک فضای مهم محلی، در نیمه راه بین فضای امن خانه و درک خطرات فضای عمومی عمل می کند. این بیان می کند که: حوزه های محلی یا محله مسلماً بعنوان یک چشم انداز خطر از طریق عواملی چون ترس از غریبه ها و افزایش ترافیک سواره بازسازی شده است. رساندن کودکان با اتومبیل و همراهی مداوم آنها توسط یک بزرگسال در فضای عمومی می تواند ساده ترین راه جلوگیری از فعالیت های بیرون از منزل و ارتقاء فردیت و توسعه استقلال کودک باشد. اقدامات خودکار کودکان در فضای عمومی مهارتهای آنها را می سازد که تا بزرگسالی ادامه خواهد پیدا کرد (Collins and Kearns, 2001a; Tranter and Pawson, 2001). همچنین حضور کودکان در فضای عمومی ممکن است فواید گسترده تراجتماعی را داشته باشد، مانند: درک از جامعه، احساس اعتماد و حمایت متقابل (Tranter and Pawson, 2001). حضور کودکان اغلب کمک می کند تا حایل های بین بزرگسالان شکسته شود و خیابانها را جذاب تر، اجتماعی تر و قابل زندگی می سازد. بهر حال کودکان نیاز به فرصت هایی دارند که در آن به ملاقات و معاشرت با یکدیگر، جدا از مکان های کنترل شده توسط معلمان و والدین بپردازند (Simpson, 1997).

تصمیم گیری بزرگسالان موانعی را برای تحرک کودکان ایجاد می کند و می تواند منجر به عدم احساس و تعلق نسبت به محله خود شود (Christensen and O'Brien, 2003). (Loukaitou-Sideris, 2003) در مطالعه چهار سایت شهری در جنوب کالیفرنیا دریافتند که تنها ۱۶٪ از کودکان ۷ ساله اجازه داشتند که بیشتر

از یک بلوک بدون همراهی بزرگسال بروند و ۳۰٪ از کودکان ۱۱-۱۲ سال به تنهایی از یک فضای عمومی بازدید کردند. علاوه بر این Cunningham and Jones (1999) کشف کردند که تنها ۶٪ از کودکان استرالیایی در بیرون فضای محله خود بازی کرده اند (Mitchell, 2007).

همراهی کودکان فرصت یادگیری و چگونگی ایفای نقش آنها در محیط های شهری را محدود میکند (Timperio et al., 2004). اغلب کودکان درک می کنند که جهانی وجود دارد که آنها از آن محرومند و برای فرصت کشف و یادگیری بیشتر در مورد آن، خواسته های خود را بیان می کنند (Tranter and Pawson, 2001).

خلاصه اینکه، عدم قبول والدین در فضاهای باز بدون نظارت، ترس از غریبه ها و خطر ترافیک و عدم تمایل والدین به تشویق فرزندان خود برای بازی در فضای خارج از خانه و ترکیبی از آنها، نسلی ناآشنا و غریبه با محیط محلات را بوجود آورده است (Mitchell, 2007).

تعریف شهردوستدار کودک^۱

از منظر کنوانسیون حقوق کودک، یک شهر دوستدار کودک بدنال اجرای تعهد خود برای تحقق بخشیدن به طیف وسیعی از حقوق بشر برای همه کودکان است (Riggio, 2002). طرح شهر دوستدار کودک یونیسف متعهد به اجرای تمام حقوق کودکان در سطحی که تاثیر مستقیم بر زندگی کودکان دارد است. کنوانسیون به نوبه خود با نیازها و حقوق خاص کودکان در داد و ستد است. طرح شهردوستدار کودک نیاز دارد که دولت ها در جهت بهترین منافع کودکان عمل کنند. در همین زمان، این یک استراتژی برای ارتقاء بالاترین کیفیت های زندگی برای همه شهروندان از جمله کودکان بعنوان جمعیت آسیب پذیر است. یک شهردوستدار کودک حق هر شهروند جوان را در موارد زیر ضمانت می کند:

- تصمیم گیری در مورد شهر خود؛
- اظهار نظر در شهری که آنها می خواهند؛
- شرکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی؛
- دریافت خدمات اساسی مانند مراقبت های بهداشتی، آموزش و پرورش و سرپناه؛
- آب سالم بنوشد و به امکانات بهداشتی دسترسی داشته باشد؛
- از استعمار، خشونت و سوء استفاده محافظت شود؛
- پیاده روی با خیال راحت در خیابان ها بصورتی که می خواهد؛
- دیدار با دوستان و بازی؛
- فضای سبز برای گیاهان و حیوانات؛
- زندگی در یک محیط پاک؛
- شرکت در رویدادهای فرهنگی و اجتماعی؛
- بودن یک شهروند با حقوق برابر با دسترسی به هر نوع سرویس، بدون در نظر گرفتن منشأ نژادی، مذهب، درآمد، جنسیت یا از کار افتادگی (UNICEF, 2004b).

هیچ تعریف واحدی از اینکه یک شهر، دوستدار کودک است یا باید باشد وجود ندارد. در واقع اسناد به این سمت می روند که بگویند شهرها هیچگاه به مقام دوستدار کودکان دست نمی یابند، چون آنها همیشه در

¹-Child friendly city

حال تغییرشکل و پاسخ به تغییر شرایط داخلی و جهانی هستند (Sipe, et al., 2006). در برخی شهرها در ملل توسعه یافته، گرایش‌ها بیشتر بر مسایل فیزیکی و محیطی مانند بهبود فضاهای تفریحی و فضای سبز و کنترل ترافیک برای اینکه خیابانها برای شهروندان جوان امن باشند، تاکید دارند. در جوامع کم درآمد، تمرکز اغلب آنها برافزایش دسترسی به خدمات اساسی مانند آب آشامیدنی، سرپناه و مواد غذایی است. مدل استاندارد دی که نشان دهد شهردوستدار کودک شبیه چیست؟ وجود ندارد. درحالیکه تاکید بر دوستی کودک بین نهادها متفاوت است، ارزش گذاری رایج این است که شهرها، جوامع و محله‌ها را برای کودکان و جوانان بهتر سازیم (Rakhimova, 2011).

شهر دوستدار کودک با توجه به کودکان چیست؟

تجربه زیست محیطی کودکان و نوجوانان با بزرگسالان متفاوت است (Matthews, 1992). تحقیقات خاطرات بزرگسالان از مکانهای دوران کودکی نشان داده است که تجارب دوران کودکی به نظمی رسد، بیشتر در مورد بافت و تنوعی از عملکردهای خاص است و بیشتر تجارب بجای بصری، لمسی است. بنظر می رسد مردم با شوق بیشتری اشکال، رنگ‌ها، حرکات، مناظر و صدهای جهان خارج از طبیعت را به خاطر می آورند (Moore, 1986; Lukashok & Lynch, 1956; Cobb, 1977; Francis, 1988). نیز تفاوت نگرش نسبت به محیط را بین کودکان و بزرگسالان برشمرده است. از بزرگسالان پرسید "چه شکلی است؟" یا "آیا این مکان خوش منظره است؟" در حالی که از کودکان پرسید "چه کاری می توانم اینجا انجام دهم؟" یا "آیا اینجا محلی برای تفریح است؟" به همین دلیل است که ارائه ای از شهردوستدار کودک در میان کودکان و بزرگسالان می تواند کاملا متفاوت باشد (Rakhimova, 2011). برای تعریف این تفاوت برخی از مطالعات در مورد درک کودکان از محیط زیست شهری انجام شده است. گروه اول تحقیقات بر مکان هایی که اغلب مورد استفاده کودکان قرار می گیرند و یا کودکان در مصاحبه به آن بعنوان مکانی جذاب اشاره کردند، متمرکز شده اند. در یک مطالعه که از کودکان خواسته شد تا مکان های مورد علاقه خود را که بعد از مدرسه و در تعطیلات آخر هفته می خواهند به آنجا بروند ترسیم کنند (Moore, 1986) دریافتند که کودکان طیف گسترده ای از مکانهای مختلف - ۵۲ نوع مکان متفاوت - را به نمایش گذاشتند. با توجه به نتایج بدست آمده، دسته های مختلفی از مکان های شهری که برای کودکان جذاب هستند وجود دارد.

گروه اول مکانهایی که پر از فعالیت هستند؛ از جمله خیابانها، پیاده رو، مراکز خرید، مکانهای بافعالیت های متنوع از جمله بازی غایب موشک، بازی ساخت و ساز، بازی با موادی چون آب، برف، شن و ماسه را در بر می گیرد (Francis, 1982; Gray & Brower, 1977). دسته دوم که در مکان های جذاب برای کودکان قرار گرفته اند جاهایی هستند که تعامل با کودکان دیگر و بزرگسالان در آن امکان پذیر است (Muscovitch, 1980; Zerner, 1977). دسته سوم با تنوع کافی در محیط قرار گرفته اند و امکانات متنوعی برای استفاده دارند از جمله آنها مسیرها با ساختار متفاوت، مکانهای مبهم مانند خیابانها و کوچه های پشتی (Bell & Kennedy, 1972; Coates & Sanoff, 1972) و یا مکانهایی با طراحی های متنوع هستند (Zerner, 1977). (اماکنی با عناصر طبیعی مانند چمن، درختان، باغ و پارک در رده چهارم قرار دارند. مطالعات نشان داده است که کودکان اولویت بالایی را برای مکانهای طبیعی مانند پارک ها و فضاهای باز به نمایش گذاشته اند (Alexander, 1967; Berg & Medrich, 1980; Francis, 1988; Hart, 1979). دسته آخر مکانهای جذاب برای کودک مکانهای امن، صمیمی، سربسته و پنهان (Zerner, 1977) و همچنین هیجان انگیز و خطرناک

هستند (Hart, 1979; Muscovitch, 1980). مطالعات متعددی وجود دارد که برمکانهایی که کودکان دوست ندارند تمرکز کردند، با این حال معمولا کودکان ترجیح می دهند که جاهایی را که دوست دارند رابیان کنند. بنابراین، در تحقیق (Andel's, 1990)، تقریبا نیمی از مکانهای خسته کننده خیابانها بودند و در وسعت کمتر میدین و زمین های بازی است. دلایل اصلی برای این خسته کننده بودن نزدیکی ترافیک، بازدارنده های بازی کودکان و یا حضور بچه های زننده هستند. از دلایل متنوع تر شامل وجود زباله و شلوغی هستند. خیابانها نیز در نظر کودکان بعنوان مکانهای پر خطر به دلیل حجم و سرعت بالای ترافیک خودرو و احتمال تصادف دیده شدند (Rakhimova, 2011).

از تمام این مطالعات، این امکان وجود دارد که برخی از راههایی که کودکان به واسطه محیطی که در آن زندگی می کنند تحت تاثیر قرار می گیرند راببینیم. محلات آنها مصنوع دنیای بزرگسالان هستند، عمدتا در حول وحوش نیازهای افراد بالغ ساخته شده اند. کودکان موظف هستند که راهی برای اتصال و تطبیق با محیطی که زندگی می کنند پیداکنند. در بسیاری از جهات، تنها انرژی، تخیل و پشتکارشان، این امکان را برای کودکان برای تعریف یک محیط قابل قبول برای بازی و اکتشاف فراهم می سازد (Rakhimova, 2011).

پیشینه تحقیق

در سال ۱۹۶۸ سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد تاسیس شد. بلافاصله پس از آن یونسکو شروع به برنامه ده ساله با هدف افزایش درک درستی از راه حل های مردم محور برای مشکلات زیست محیطی کرد (Chawla, 2002). کوین لینچ طراح و برنامه ریز شهری برای رهبری این رویکرد میان رشته ای که شامل محققان اجتماعی، دانشمندان علوم طبیعی، معماران، طراحان و دیگر دانشمندان محیط شهری بودند، انتخاب شد. هدف از این پروژه توجه به "گروه کوچکی از نوجوانان و ارزش دادن به محیط فضایی آنهاست" (Lynch, ۱۹۷۷). این پروژه در نهایت بنام رشد در شهرها نامگذاری شد. دربخشی از این پژوهش از کودکان خواسته شد تا نقشه محلات خود را ترسیم کنند. این پژوهش اهمیت کمک به درک علمی از وضعیت کودکان در مناطق شهری را نشان داد. لینچ الهام بخش محققان دیگر از جمله مور ویانگ در انجام مطالعات تطبیقی بود که به مطالعه قلمرو خانگی کودکان، مکانهای وابسته و مسیرهایی که برای سفر در اطراف محله استفاده می شوند، پرداختند (Moore & Young, 1978). همچنین وارد، به بررسی رابطه کودکان با محیط شهری و ترویج مشارکت کودکان در برنامه ریزی شهری پرداخت (Ward, 1978). مسایل مربوط به دسترسی به سایت برای کودکان در دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. از دهه ۱۹۷۰ کودکان و جوانان بتدریج از استفاده ایمن و لذت بردن از محلات خود دور شدند (Cahill, 1990; Gaster, 1991). در آخرین مطالعات در دهه ۱۹۹۰ و بعد از آن، ایده مشارکت کودکان در فرآیند برنامه ریزی عمومیت یافت. در یسکل (۲۰۰۲) استدلال می کند که جوانان باید در فرآیندهای توسعه جامعه دخیل باشند، به این دلیل که کودکان از نزدیک با محیط محلی آشنا شوند و از اینکه چگونه محیط محلی و تصمیمات برای توسعه آن بر زندگی و جامعه آنها تاثیر خواهد گذاشت، آگاهی پیداکنند. مشارکت کودکان در توسعه جامعه می تواند هم برای کودکان بعنوان مهارت های جدید و هم برای بزرگسالان بعنوان اینکه درک بهتری از دیدگاه کودکان در مورد محیط محلی شان داشته باشند، مفید باشد. در همین زمان سازمان ملل متحد توجه بیشتر به مشکلات کودکان در شهرها

نشان داد. به همین منظور سازمان ملل در کنفرانس اسکان بشر^۱ در استانبول ترکیه در سال ۱۹۹۶ انگیزه قوی را برای توجه به مشکلات کودکان در مناطق شهری ایجاد کرد، این مسئله در اعلامیه اسکان بشر بیان شد و در دستور کار هیئات قرار گرفت (Rakhimova, 2011). مفهوم دوستی کودکان در سازمان ملل متحد مبنای کنوانسیون حقوق کودک قرار گرفت، کنوانسیون، حکم فعال مشارکت کودکان در زندگی شهری و ارتقاء سیستم های محلی به حکومت های متعهد به حقوق کودکان رابعهده دارد (UNICEF, 2004b). بنابراین دوستی کودک به عنوان یک مفهوم در طول دهه اخیر بیش از پیش در سطح جهانی، ملی، منطقه ای، جامعه و محلی گسترده شد. موضوع اصلی در جنبش دوستی کودک نگاه به سلامت کودکان به عنوان شاخص نهایی یک جامعه سالم و پایدار است (UNICEF, 1992, 1997). جنبش دوستی کودک پاسخی است به نگرانی های روبه رشد در مورد سلامت و تندرستی جوانان در کشورهای غربی در مواجهه با افزایش شهرنشینی (Gleeson & Sipe, 2006). براساس گزارش یونسکو درکشورایتالیا اولین برنامه ریزی عملیاتی دولتی در سال ۱۹۷۷ در خصوص کودکان ونوجوانان صورت گرفت (UNICEF, 2004b). در ایران شهریم (بعد از زلزله ناگوار سال ۱۳۸۲) از نمونه هایی بود که رویکرد دوستدار کودک در بازسازی آن مورد نظر قرار گرفت. یونیسف در بم برپیشبرد برنامه ریزی یکپارچه شهری، طراحی، توسعه و پیاده سازی در سطح خانه، محله و شهر تمرکز کرد (UNICEF RC, 2005b).

روش شناسی تحقیق

چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای نظریه شهر دوستدار کودک می باشد و روش های کیفی پرسشنامه، مصاحبه (انفرادی و گروههای کوچک^۲)، تحلیل های گرافیکی (عکس، نقشه، نقاشی کودکان) برای کسب اطلاعات دقیق از محدوده مورد استفاده قرار خواهد گرفت. جامعه آماری شامل کودکان پیش دبستانی (۵-۷ سال) و سنین دبستان (۷-۱۱ سال) و والدین کودکان در محله فرهنگ مشهد می باشد. تعداد ۵۰ کودک و ۲۰ بزرگسال بصورت تصادفی از محله مورد پژوهش قرار می گیرند.

شناخت نمونه موردی

محله فرهنگ مشهد واقع در توسعه جدید شهر مشهد می باشد که ساکنان آن عمدتاً از قشر کارمند بوده و دارای تعداد قابل توجهی از کودکان سنین دبستان (۱۷٪ از جمعیت کل محدوده) می باشد. وجود زمان های تنهایی کودکان به علت اشتغال والدین، استفاده کودکان را از فضاهای محله بیشتر نموده است. همچنین تعداد خانوارهای جدید جوان محدوده محله را بسوی ازدیاد جمعیت کودکان هدایت می کند. در نتیجه طراحی محله را برای آینده ضروری می نماید. علاوه بر این عدم طراحی و برنامه ریزی اصولی و مناسب در این محله، معبر اصلی آن را به محلی برای عبور با سرعت وسایل نقلیه و فضاهای آن را به فضاهایی ناامن تبدیل ساخته و امکان تعامل مثبت بخش های مختلف محله را ضعیف کرده است؛ که ضرورت توجه به طراحی و احیا آن را الزام می بخشد. فضاهای باز قابل طراحی و انعطاف پذیر، این محله را گزینه مناسبی جهت پیاده سازی الگوهای طراحی مدل شهر دوستدار کودک نموده است.

محله فرهنگ با مساحت ۸۱ هکتار و با جمعیتی بالغ بر ۱۹۱۷۵ نفر (در سال ۸۵)، در منطقه ۱۱ شهرداری مشهد واقع شده است. در شکل شماره ۲ موقیت محدوده نشان داده شده است.

¹-Habitat II

²-Focus group

شکل ۲: موقعیت محدوده مورد مطالعه در شهر



تحلیل و بررسی نمونه موردی

اهداف فرعی این پژوهش در نمونه موردی: بکارگیری اصول طراحی محلات دوستدار کودک در محله فرهنگ شهر مشهد، شناسایی نیازهای کودکان در محلات شهر مشهد، شناسایی عناصر کالبدی مهم برای کودکان، روابط و ویژگی های آنها در ساختار محلات شهر می باشد. برای رسیدن به این اهداف پرسشنامه هایی با سوالات نوشتاری و تصویری ابتدا در میان ۱۰ کودک برای اطمینان از نتیجه بخشی آن مورد آزمون قرار گرفت و پس از آن در اختیار ۵۰ کودک محله برای پاسخگویی قرار گرفت. نتایج به این قرار است:

محله خود را از روی چیزهایی تشخیص میدهید؟				
گزینه ها	شکل یا بلندی ساختمانها	اسم خیابانها	یک ساختمان مشخص	پارک
درصد از کل	٪۱۲	٪۵۶	٪۱۲	٪۲۰
در راه رفتن به مدرسه کدامیک از موارد زیر در مسیر شما قرار دارد؟				
گزینه ها	مسجد	پارک	مغازه ها	زمین بازی
درصد از کل	٪۱۰	٪۱۸	٪۶۴	٪۸
زمان رسیدن شما به مدرسه بصورت پیاده چقدر است؟				
گزینه ها	کمتر از ۵ دقیقه	۵ تا ۷ دقیقه	۱۰ دقیقه	بیشتر از ۱۰ دقیقه
درصد از کل	٪۱۸	٪۱۶	٪۲۲	٪۴۴
با چه وسیله ای به مدرسه می آید؟				
گزینه ها	پیاده	اتومبیل	دوچرخه	اتوبوس
درصد از کل	٪۲۶	٪۶۶	٪۲	٪۶
با چه کسی به مدرسه می آید؟				
گزینه ها	تنها	والدین	دوستان	راننده سرویس
درصد از کل	٪۱۴	٪۲۶	٪۱۰	٪۵۰
کدامیک از موارد زیر را برای رفتن یا برگشتن از مرسه بیشتر دوست دارید؟				

				گزینه ها	
٪۵۴		٪۴۶		درصد از کل	
فاصله زمانی خانه شما تا نزدیک ترین پارک محله بصورت پیاده چند دقیقه است؟					
بیشتر از ۱۰ دقیقه		۵ تا ۱۰ دقیقه		گزینه ها	
٪۲۶		٪۲۴		٪۵۰	
درصد از کل					
دوست دارید در چه زمانهایی به پارک بروید؟					
شب ها		عصرها		ظهرها	
٪۳۴		٪۳۶		٪۱۲	
				صبح ها	
				٪۱۸	
درصد از کل					
دوست دارید با چه کسانی اوقات فراغت خود را بگذرانید؟					
بچه های فامیل		دوستان و همسن ها		والدین	
٪۳۸		٪۳۶		٪۲۲	
				تنها	
				٪۴	
درصد از کل					
دوست دارید اوقات فراغت خود را به کجا بروید؟					
بازی با دوستان در محله		زمین ورزشی		کلوب بازیهای کامپیوتری	
٪۲۶		٪۱۰		٪۲۲	
				پارک	
				٪۴۴	
درصد از کل					
در تابستان تا چه وقتی از روز را در خارج از خانه میگذرانید؟					
از عصر تا شب		از ظهر تا عصر		از صبح تا ظهر	
٪۴۴		٪۲۲		٪۳۴	
درصد از کل					
محل بازی شما با دوستانتان در محله کجاست؟					
کلوب بازیهای کامپیوتری		زمین ورزشی		پارک محله	
٪۲		٪۲		٪۵۰	
				زمین بازی	
				٪۱۶	
				کوچه های محله	
				٪۳۰	
درصد از کل					
کدامیک از تصاویر زیر برای شما دوست داشتنی تر است؟					
					
٪۷۲			٪۲۸		
درصد از کل					
کدامیک از کف پوش های زیر را بیشتر دوست دارید؟					
					
گزینه ها					

درصد از کل		٪۶۴		٪۳۲	
کدامیک از فضاهای زیر را برای بازی کردن بیشتر دوست دارید؟					
گزینه ها					
درصد از کل		٪۱۰۰			
کدامیک از فضاهای زیر بهتر است؟					
گزینه ها					
درصد از کل		٪۳۴		٪۶۸	
کدامیک از صندلی ها را بیشتر دوست دارید؟					
گزینه ها					
درصد از کل		٪۷۰		٪۲۲	
				٪۸	
از بین آب، خاک، حیوانات و بالا رفتن از درختان، کدامیک را برای بازی بیشتر دوست دارید؟					
گزینه ها		بازی با آب		بازی با خاک	
درصد از کل		٪۶۴		٪۱۴	
				بازی با حیوانات	
				٪۱۶	
				بالا رفتن از درختان	
				٪۶	

در روش مصاحبه با سه گروه شامل کودکان ۵-۷ سال، کودکان گروه سنی دبستان (۱۰ و ۱۱ سال) و والدین کودکان انجام گرفت. مصاحبه با کودکان بصورت انفرادی و مصاحبه والدین بصورت بحث های گروهی کانونی و گروه کوچک انجام گردید. نتایج آن بقرار زیر است:

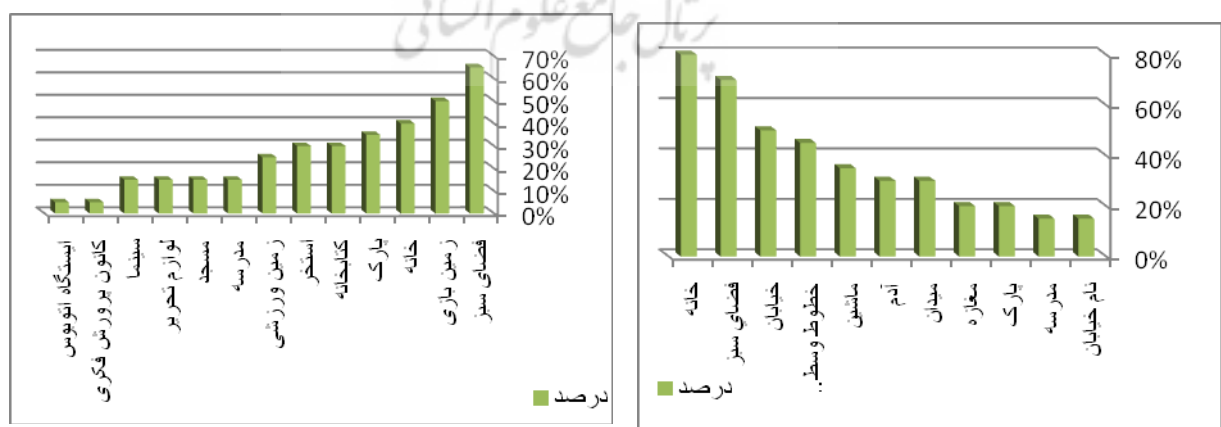
مصاحبه با کودکان ۵-۷ سال نشان داد که بیشتر آنها موافق با پیاده روی تا مهد کودک هستند. دوست دارند از عصر تا شب به همراه والدین به پارک بروند، دوست دارند مهد کودک نزدیک به خانه آنها باشد، دوست دارند در نزدیکی مهد کودک و خانه آنها پارک وجود داشته باشد، همه کودکان بدلائل سرعت بالای ماشین ها و سردی هوا دوست نداشتند در کوچه های محله بازی کنند، با وجود علاقه به دوچرخه سواری در کوچه بدلیل عدم امنیت ناشی از عبور اتومبیل این علاقه را نفی می کردند، بیشتر کودکان بدلیل دوری مهد کودک از خانه و ترس عبور از عرض خیابان و سرعت بالای اتومبیل ها به همراه والدین و یا با سرویس به مهد کودک می آمدند. بیشتر کودکان محل بازی با همسالان خود را پیلوت آپارتمان خود ذکر می کردند و محل امنی در نزدیکی خانه خود برای بازی نداشتند.

مصاحبه با کودکان ۱۰ و ۱۱ سال که بیشترین تعامل را با محله خود داشتند نشان داد که: پارک های کوچک محلی، زمین فوتبال، زمین بازی، مسیرهای دوچرخه، کتابخانه از مکانهای مورد نیاز آنها در محله است؛ امکانات بازی و تفریح آنها در محله به یک پارک و چند بوستان کوچک، یک زمین بازی و مجموعه ورزشی محدود می شود و این ها را ناکافی می دانند؛ کودکان به وضعیت نا مناسب پیاده روها بخصوص در زمستان اشاره کردند و همچنین اختلاف سطح های موجود در آنها، پارک اتومبیل ها در مسیر پیاده روها که منجر به استفاده آنها از مسیر سواره رو می شود، عرض کم پیاده روها را از مشکلات پیاده روها برشمردند و همگی موافق با ساماندهی پیاده روها و استفاده از کفیوش های رنگی و غیر لغزنده بودند؛ کودکان موافق ایجاد مسیرهایی برای دوچرخه سواری مخصوصا در فواصل بین خانه تا پارک و مدرسه خود بودند؛ فضای سبز محله را کافی می دانند؛ روابط کودکان محله با یکدیگر رضایت بخش نیست، دبستان های خاص محله که ورود همه کودکان را به آن محدود می سازد موجب استفاده کودکان از مدارس خارج از محله گردیده است؛ روشنایی معبر و فضاهای محله را در شب ناکافی می دانند؛ ایمنی معابر محله در فواصل بین خانه تا مدرسه خود را پایین می دانند.

درمصاحبه گروهی با والدین کودکان در محله به پاسخ های مشابهی رسیدیم که عبارتند از:

- ۱- مکان وزمان کافی برای بازی با کودکان ندارند.
- ۲- کودکان آنها ترجیح می دهند با گروههای همسن خود بازی و به تفریح بپردازند.
- ۳- امنیت کافی برای اینکه به کودکان خود اجازه دهند بدون حضور آنها در محله بازی کنند ویا پیاده به مدرسه بروند را احساس نمی کنند.
- ۴- فاصله خانه تا مدرسه و پارک زیاد است.
- ۵- امکان نظارت والدین بر بازی کودکان وجود ندارد و همسایه ها شناختی از هم برای مراقبت و احساس مسئولیت در قبال دیگر کودکان ندارند.

در تحلیل گرافیکی نقاشی کودکان، در دو مرحله از کودکان ۷ تا ۱۱ سال خواسته شد تا محله موجود خود و محله مطلوب خود را در قالب یک نقاشی به تصویر بکشند؛ با تحلیل ساختار گرایانه نقاشی کودکان به اطلاعاتی که در شکل های ۳ و ۴ آمده است، دست می یابیم.



شکل ۳: عناصر ساختاری محله موجود در نقاشی های کودکان

در تحلیل گرافیکی به روش عکسبرداری به مشکلاتی همچون وضعیت نامناسب پیاده روها، فضاهای باز و بدون استفاده محله، تداخل فعالیت کودکان و حرکت اتومبیل ها در محله، روشنایی نا کافی فضاهای محله، عدم فضایی مناسب برای تجمع کودکان، کمبود پارک و فضای بازی کودکان و طراحی نامناسب بوستان ها برای کودکان رسیدیم. در شکل های شماره ۵ این مشکلات نشان داده شده است.



شکل ۵: مشکلات محله برای استفاد کودکان

در تحلیل گرافیکی نقشه، به کاربری های مرتبط با کودکان دروضع موجود از قبیل دبستان، پارک و بوستان و مهدکودک، شعاع دسترسی و موقعیت آنها نسبت به یکدیگر پرداختیم. شکل شماره ۶ نشان دهنده موقعیت این کاربری ها و شعاع دسترسی به بوستانها و پارک محدوده است.



شکل ۶: موقعیت کاربری های مرتبط با کودکان در محدوده و شعاع دسترسی پارک و بوستان ها (مآخذ: نگارندگان)

باز تفسیر یافته ها

برای دستیابی به ویژگی های ساختار فضایی محلات و ویژگی ها و روابط عناصر کالبدی مهم برای کودکان با شاخص نیازهای کالبدی کودکان در محله به باز تفسیر اطلاعات بدست آمده از روش های پرسشنامه، مصاحبه و تحلیل های گرافیکی پرداخته و نتایج زیر بدست آمد:

✓ درصد بالایی از کودکان در پاسخ به این سوال که محله خود را از روی چه چیزهای تشخیص می دهید؟ به گزینه اسم خیابان ها اشاره نمودند، پس در طراحی بایستی اسامی خیابان ها را نام های

ملموس و کودک پسند به گونه ای که بتوان با شکل هایی آن را نشان داد، انتخاب کرد. تحلیل دیگر این است که محله برای آنها هویت خاصی ندارد تا از اجزای آن بتوانند آن را تشخیص دهند و از آن خود بدانند.

✓ از مقایسه پاسخ های بدست آمده از سوال: زمان رسیدن شما به مدرسه بصورت پیاده چقدر است؟ و با چه وسیله ای به مدرسه می آید؟ این نتیجه حاصل شد که کودکانی که مسافت زمانی بین خانه تا مدرسه آنها کمتر از ۵ دقیقه است پیاده به مدرسه می آیند و کودکانی که مسیر آنها ۱۰ دقیقه و بیشتر است این مسیر را با اتومبیل طی می کنند. این مورد می تواند در طراحی مورد نظر قرار گیرد تا فاصله زمانی خانه تا مدرسه کودکان بیشتر از ۵ دقیقه نباشد. در نقاشی کودکان نیز برخی از آنها تمایل خود را برای نزدیکی مدرسه به خانه خود نشان دادند.

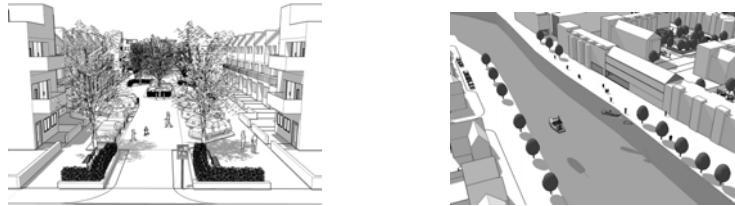
✓ اگر به پاسخهای بدست آمده از سوال های : با چه وسیله ای به مدرسه می آید؟ و کدامیک از موارد (اتوبوس مدرسه و یا پیاده روی دسته جمعی تا مدرسه) را برای رفتن یا برگشتن از مدرسه بیشتر دوست دارید؟ توجه کنیم در سوال اول درصد بالایی از کودکان مسیر خانه تا مدرسه را با اتومبیل (سرویس مدرسه) طی می کنند و تفاوت زیادی بین درصد کودکانی که پیاده به مدرسه میروند و با اتومبیل می روند دیده می شود، اما در سوال دوم درصد زیادی از کودکان تمایل به پیاده روی دسته جمعی به مدرسه را دارند و نشان دهنده آن است که اگر این مسیر متناسب با کودکان طراحی شود، می توان به طی مسیر توسط کودکان بصورت پیاده اطمینان نمود.

✓ ۲۲٪ درصد از کودکان در پاسخ به این سوال: که دوست دارید اوقات فراغت خود را به کجا بروید؟ به کلوب بازی های کامپیوتری اشاره کردند. در صورتی که تنها ۲٪ از کودکان به کلوب بازی های کامپیوتری در سوال محل بازی شما در محله کجاست؟ جواب داده بودند. این مسئله نشان دهنده آن است که کلوب بازی های کامپیوتری باید در طراحی محله بعنوان مکانی که کودکان به آن نیاز دارند، دیده شود. در مقایسه دیگری از این دو سوال در می یابیم که درصدی از کودکان هستند که تمایل به گذراندن اوقات فراغت خود در کوچه های محله دارند. انا به دلیل عدم امنیت در کوچه ها قادر به انجام خواسته خود نیستند.

✓ تضادی در وضع موجود و نیازهای کودکان، در سوال: دوست دارید اوقات فراغت خود را به کجا بروید؟ که درصد بالایی را پارک به خود اختصاص داد و نتایج مصاحبه که کودکان به کمبود پارک و فضاهای کودکان اشاره کرده بودند و از سوی دیگر در سوال: فاصله زمانی خانه شما تا نزدیک ترین پارک محله بصورت پیاده چقدر است؟ به این نتیجه رسیدیم که نزدیک به نیمی از کودکان مسیر بیشتر از ۵ دقیقه را برای رسیدن به پارک بایستی طی کنند که این خود نشان دهنده کمبود این فضاست. مجموع این تحلیل ها نشان می دهد که در طراحی محله می بایستی فضاهایی را برای ایجاد پارک های محلی که نزدیک به خانه ها باشد در نظر گرفت.

✓ از کنار هم قرار دادن پاسخ به سوالات: دوست دارید در چه زمان هایی به پارک بروید؟ و در تابستان تا چه وقتی از روز را در خارج از خانه می گذرانید؟ که بیشترین جوابها عصر ها و شب ها بوده است. و پاسخی که کودکان در مصاحبه در رابطه با روشنایی معابر دادند و آن را ناکافی دانسته اند، لزوم نوبرداری مناسب معابر و فضاهای مرتبط با کودکان را قوت می بخشد.

✓ در سوالی از پرسشنامه از کودکان خواسته شده بود تا تصویر مورد علاقه خود را انتخاب کنند.



درصد بالایی از کودکان تصویر دوم را انتخاب کردند. تصویر دوم منطقه امن خانگی^۱ را نشان می دهد. در این منطقه طراحی بصورتی انجام گرفته است که سرعت اتومبیل ها را کاهش داده و فضایی امن برای بازی و فعالیت کودکان در کوچه های محله را که در یکی از سوالات درصدی قابل توجه از کودکان به آن اشاره کرده بودند را فراهم می آورد.

✓ در سوالی از کودکان خواسته شد تا از میان دو فضا که یکی نشان دهنده خیابانی با ساختمان های بلند و فضای دیگر فضایی با ساختمان های کم ارتفاع را نشان می دهد.



نزدیک به ۷۰٪ از کودکان خیابان با ساختمان های کوتاه را انتخاب نمودند. این نشان می دهد که ارتفاع ساختمان ها در محدوده مورد مطالعه چیزی نیست که کودکان آن را دوست داشته باشند. اما در نقاشی هایشان می توان دید که ساختمان های چندطبقه را پذیرفته و احساس ناخوشایندی از آن ندارند. اگر دو سوال نوشتاری و تصویری در مورد فضاهای مورد علاقه کودکان در محله را در کنار هم قرار دهیم:



در سوال تصویری کودکان از میان زمین بازی و بازی در کوچه های محله، اکثریت به زمین بازی اشاره کردند، اهمیت زمین بازی و نیاز کودکان به آن در نقاشی کودکان نیز کاملاً مشهود است. اما در سوال نوشتاری این درصد بر عکس بود. عواملی از جمله عدم اطلاع کودکان از زمین بازی به دلیل عدم زمین بازی مناسب در محله که در تحلیل های گرافیکی به آن رسیدیم و یا جذابیت تصویر زمین بازی برای آنها باشد. در مصاحبه با کودکان زمین بازی برای آنها توضیح داده شد که در نتیجه آن کودکان آن را از نیازهای خود در محله بر شمردند.

^۱ Home Zone

- ✓ در نقاشی کودکان از ترسیم خطوط وسط خیابان ها توسط اکثر آنها م ی شود دریافت که کودکان توجه زیادی به جزئیات کف دارند و در سوالی که کفیوش مورد علاقه کودکان از آنها پرسیده شد، کودکان کف پوش های شکل دار با رنگ های متنوع را بیشتر دوست دارند. بنابراین در طراحی ها بایستی جزئیات کف را مطابق خواسته آنها با شکل ها و رنگ های کودکانه مد نظر داشت.
- ✓ کودکان بایستی با عناصر طبیعی در ارتباط باشند و این عناصر می تواند بعنوان وسایل بازی برای آنها محسوب گردد. کودکان علاقه بسیاری به بازی با آب از خود نشان دادند که می تواند ناشی از آب وهوای گرم و خشک مشهد باشد، بنابراین از این عنصر می توان و بایستی در فضاهای بازی آنها مثل پارک وزمین های بازی که در سوالات به آنها اشاره کردند لحاظ نمود.
- ✓ در مصاحبه با کودکان در مورد نظر آنها در رابطه با ساماندهی پیاده روها، کودکان به وضعیت نامناسب پیاده روها در زمستان و دیگر مشکلات آن اشاره کردند که در عکس ها نیز این موضوع کاملا مشهود است. پیاده روهای جذاب و متصل به هم با کف پوش های کودک پسند می تواند تاثیر بسزایی در پیاده روی کودکان و امنیت آنها داشته باشد.
- ✓ با توجه به نقاشی کودکان از محله موجود خود می توان دریافت که تعریف محله برای اکثر آنها محدود به کوچه ای است که خانه آنها در آن قرار دارد. خیابان به عنوان مسیری است جهت تردد اتومبیل و حضور کم رنگ عنصر آدم و بخصوص کودک در نقاشی، نشان دهنده عدم حضور پذیری کوچه های محله برای افراد پیاده و کودکان است. پارک و مدرسه در تعداد کمی از نقاشی ها دیده می شود و خانه آنها بدون هرگونه ارتباطی با این عناصر دیده شده است. عنصر درخت فضای سبز درصد بالایی را در نقاشی کودکان به خود اختصاص داده است. که نشانه اهمیت این عنصر در دید کودکان است. میدان محلی با فضای سبز میانی بعنوان فضایی برای بازی کودکان و فعالیت های مختلف ترسیم شده است و در چند نقاشی دیده می شود که نشانگر اهمیت میادین در درک کودکان از محله است.
- ✓ آنچه در عکسهای مربوط به پارکها و بوستان های محله مشهود است: عدم طراحی و فضا سازی این مکانها برای کودکان است. هیچگونه مبلمان خاص کودکان و فضاهای بازی در این بوستان ها به چشم نمی خورد. وسایل ورزشی بزرگسالان و نیمکت های مناسب آنها در آن تعبیه گردیده است و این موضوع باعث استفاده بیشتر گروه بزرگسالان از این فضاها گردیده است. تنها فضای مخصوص کودکان در پارک لاله بصورت زمین بازی مبله شده با وسایل بازی کودکان است.
- ✓ تعدادی از کودکان محله خود را به شکل پارک دیده اند، این بدان معناست که برای کودکان پارک بعنوان هویت محله مطرح است.
- ✓ از تحلیل پرسشنامه و مصاحبه با کودکان و والدین به ۲ نکته پی می بریم: اول اینکه کودکان دوست دارند بیشتر با همسن و سالها و دوستان خود در پارک و محله بازی کنند و ساعاتی از عصر تا شب را به این مکانها بروند. اما در مصاحبه گروهی از والدین به نظرهای مشترکی رسیدیم که والدین امنیت محله و مکان های بازی را کافی نمی داند و وقت زیادی برای همراهی با کودکانشان ندارند. دومین مورد اینکه درصد زیادی از کودکان دوست دارند که پیاده به مدرسه بروند اما همان دلایل عدم امنیت و وقت ناکافی والدین آنها را از این نیاز محروم می سازد.

✓ از نقاشی کودکان در مورد محله مطلوب به نیازهای آنها در محله پی می بریم که به ترتیب اهمیت شامل: فضای سبز، زمین بازی، پارک، کتابخانه، استخر، زمین ورزشی، مدرسه، مغازه لوازم تحریر می باشند. همچنین نقاشی کودکان از محله موجود عناصر کالبدی مهم برای کودکان که به ترتیب شامل: خانه، فضای سبز، خیابان، میدان، مغازه، پارک و مدرسه می باشند، پی می بریم.

نتیجه گیری

هدف اصلی از این تحقیق دستیابی به ویژگی های ساختاری محلات براساس الگوهای شهر دوستدار کودک بود که بایادآوری اصول و الگوهای شهر دوستدار کودک و با پیاده سازی این اصول در محله فرهنگ شهر مشهد و همچنین با دریافت نظرها و نیازهای کودکان در قالب پرسشنامه و مصاحبه و نگاهی به وضع موجود و تحلیل آن با عکس و نقشه به یافته هایی از قبیل: شناخت محله خود از روی اسم خیابانها که دلیل آن می تواند عدم هویت محله برای کودکان باشد. لزوم جانمایی کاربری های پارک و دبستان در فواصل ۵ دقیقه از خانه ها، عدم استفاده کودکان از فضاهای محله به علت عدم امنیت کالبدی و عدم حضور پذیری محله برای کودکان، عدم خوانایی محله برای کودکان که از نقاشی های آنها پیداست دست یافتیم.

بنابر این با توجه به این یافته ها در پاسخ به سوال اصلی تحقیق که ساختار فضایی محلات باید دارای چه ویژگی هایی گردند تا منطبق بر الگوهای شهردوستدار کودک شوند، می توان گفت:

ساختار فضایی محلات دوستدار کودک می بایستی دارای ویژگیهایی چون حضور پذیری، نفوذ پذیری و هویت برای کودکان باشد. این ویژگی ها بستر مناسب و امنی را برای شکل گیری رفتارهای کودکان در محله و رشد اجتماعی آنها ایجاد می کند که خود به تحقق حقوق آنها در جامعه کمک می کند.

در پایان به عنوان محصول این پژوهش و پاسخ به سوال معیارها و شاخصه های طراحی محلات دوستدار کودک با توجه به ویژگیهای کشور و خصوصاً شهر مشهد چیست؟

معیارهای طراحی محلات، مبتنی بر رویکرد دوستدار کودک را به قرار زیر ارائه می نمایم:

- حضورپذیری: ایمنی، امنیت روانی، امکان حضور هر دو جنسیت دختر و پسر، وجود مکان های مورد نیاز کودکان (پارک، زمین بازی، کلوپ، مجتمع ورزشی، فضای سبز، مدرسه و...) روشنایی کافی، تنوع در فعالیت ها، نورپردازی فضاها، وجود عناصر مورد علاقه کودکان از جمله آب، وجود مناطق امن خانگی، وجود فضاهایی برای کشف خلاقیت ها.
- دسترسی و نفوذ پذیری: ایمنی دسترسی، مسیرهای امن به کاربری های کودک، تفکیک مسیر سواره، پیاده و دوچرخه، مسیرهای پیوسته پیاده و دوچرخه.
- هویت: اسامی کودکانه خیابانها، شاخص بودن کاربری های مرتبط با کودکان، محدودیت در ارتفاع ساختمانها، فضاهای با قابلیت بازی های جمعی، نشانه ها و علائم قابل تعبیر برای کودکان، استفاده از رنگ و طبیعت در فضاهای محله.
- خوانایی: تنوع در مصالح و رنگ کف پوش ها، تنوع در مصالح و رنگ نمای ساختمانها، استفاده از علائم و نشانه ها بمنظور تسهیل جهت یابی، تداوم مسیرها.
- مشارکت: ورود کودکان به فرآیند طراحی، نظر سنجی از کودکان، درخواست همکاری از کودکان برای اجرای طرح.

منابع

- ۱- پوردیهیمی، شهرام (۱۳۷۸)، عوامل موثر در ادراک فرم و فضا، مجله معماری و فرهنگ
- ۲- داوودی مقدم، مسعود (۱۳۸۹)، بررسی معیارهای طراحی فضای بازی کودکان پیش دبستانی، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین
- ۳- سعیدی رضوانی، نوید، فرزانه حبیبی (۱۳۸۷)، شهر دوستدار کودک، مجموعه سخنرانی های جامعه مهندسان شهرساز
- ۴- کامل نیا، حامد، حقیر، سعید (۱۳۸۸)، الگوهای طراحی فضای سبز در "شهر دوستدار کودک"، نشریه باغ نظر، شماره دوازدهم.
- ۵- لنگ، جان (۱۳۸۱)، "آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط"، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۶- مظفر، فرهنگ؛ حسینی، باقر؛ باقری، محمد و عظمتی، حمیدرضا (۱۳۸۶) "نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان"، فصلنامه باغ نظر، سال چهارم، شماره هشتم، ۷۲-۵۹
- ۷- مطلبی، قاسم (۱۳۸۵)، بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۵

- 8- Alexander, C. (1967). **The city as a mechanism for sustaining human contact.** In W.R. Eward (Ed.), *Environment and man* (pp. 406-434). Bloomington: Indiana University Press.
- 9- Barton. H, Handy. S, Boarnet. M, Ewing. R, Killingsworth. R, Jackson. R, et al. *Healthy cities. Urban Design Quality 2003; b 87:15-36.*
- 10- Bell, G., & Kennedy, M. (1972). **Age group needs and their satisfaction.** A case of the east Library Renewal Areas, Pittsburgh. Paper presented at the Environmental design, research and practice: Proceeding of the Enviromental Design Research Association, Los Angeles: University of California
- 11- Berg, M., & Medrich, E. . (1980). **Children in four neighbourhoods: the physical environment and its effect on play and play patterns.** *Environment and Behavior*, 12(3), 320-348.
- 12- Cahill, S. E. (1990). **Childhood and public life: reaffirming biographical divisions.** *Social Problems*, 37(3), 390-402
- 13- Chawla, L. (2002). **Cities for human development.** In L. Chawla (Ed.), *Growing Up in an Urbanizing World.* Paris: UNESCO Pubiishing/Earthscan Publications
- 14- Christensen, P., O'Brien, M., 2003. **Children in the City: Home, Neighbourhood and Community.** Routledge, London.
- 15- Collins, D., Kearns, R., 2001. **Under curfew and under siege? Legal geographies of young people.** *Geoforum* 32, 389-403.
- 16- Coates, G., & Sanoff, H. (1972). **Behavioral mapping: The ecology of child behavior in a planned residential setting.** Paper presented at the Environmental design, research and practice: Proceeding of the Enviromental Design Research Association, Los Angeles: Univercity of California.
- 17- Cowan, R. (Ed.). (2005). **The Dictionary of Urbanism. Tisbury (England):** Streetwise Press. Available online: <http://www.urbanwords.info> ...

- 18- Cobb, Edith. (1977). *The Ecology of Imagination in Childhood*. New York: Columbia University Press.
- 19- Cunningham, C., Jones, M., Barlow, M., 1996. **Town Planning and Children: A Case Study of Lismore, New South Wales, Australia**. Department of Geography and Planning, University of New England, Armidale, NSW
- 20- Day, Christopher. 2007. **Environment and Children (Passive Lessons from the Everyday Environment)**. ELSELVIER. london
- 21- Francis, M. (1982). **Designing landscapes with community participation and behavioral research**. *Landscape Architecture Forum*, 15-21.
- 22- Francis, M. (1988). **Negotiating between children and adult design values**. *Design Studies*, 9(2), 67-75.
- 23- Gaster, Sanford (1991). **Urban children's access to their neighborhood: changes over three generations**. *Environment and Behavior*, 23(1), 70-85.
- 24- Gleeson, B. , & Sipe, N. (2006). *Creating Child Friendly Cities*. New York: Routledge.
- 25- Gray, L.V., & Brower, S. (1977). *Activities of children in urban neighborhoods*. Baltimore: Department of City Planning.
- 26- Hart, R.A. (1979). *Children's experience of place: A developmental study*. New York: Wiley.
- 27- Lynch, K. (1977). *Growing Up in Cities*. Cambridge, MA: MIT Press.
- 28- Lukashok, Alvin K., & Lynch, Kevin. (1956). **Some Childhood Memories of the City**. *Journal of the American Institute of Planners*, 22(3), 142 - 152.
- 29- Matthews, M.H. . (1992). *Making Sense of Place*. Savage, Md.: Barnes and Noble Books.
- 30- Mitchell, Hannah. . Kearns, Robin A. Collins, Damian C.A. 2007. " **Nuances of neighbourhood: Children's perceptions of the space between home and school in Auckland, New Zealand**. ELSELVIOR
- 31- Moore, Richard, & Young, D. (1978). **Childhood outdoors: toward a social ecology of the land scape**. In I. Altman, Wohlwill, J (Ed.), *Children and the Environment*. New York: Plenum Press
- 32- Muscovitch, A. (1980). *Study if children's perception of the neighborhood*. Ottawa: Canada Mortgage and Housing Corporation.
- 33- Rakhimova, Nelya. 2011. **Child-Friendly Cities and Neighborhoods: An Evaluation Framework for Planners**. Copyright 2011 by ProQuest LLC
- 34- Riggio, Eliana. (2002). **Child friendly cities: good governance in the best interests of the child**. *Environment and Urbanization*, 14, 45-58.
- 35- Simpson, B., 1997. **Towards the participation of children and young people in urban planning and design**. *Urban Studies* 24, 907-923
- 36- Sipe, N., Buchanan, N., & Dodson, J. (2006). **Children in the urban environment: A review of research** In Neil Sipe Brendan Gleeson (Ed.), *Creating Child Friendly Cities: Reinstating Kids in the City* (pp. 86-102): Routledge.
- 37- Sutton, E.P. Kemp, S., (2002), **children as partners in neighborhood place making: lessons from intergenerational design charrettes**, *Environmental psychology*, 22, 171-189.
- 38- Timperio, A., Crawford, D., Telford, A., Salmon, J., 2004. **Perceptions about the local neighbourhood and walking and cycling among children**. *Preventive Medicine* 38 (1), 39-47.

- 39- *Tranter, P., Pawson, E., 2001. Children's access to local environments: a case study of Christchurch, New Zealand.* Local Environment 6 (1), 27-48.
- 40- *UNICEF. (1992). Convention on the Rights of the Child.* New York: UN.
- 41- *UNICEF. (1997). Children's Rights and Habitat: Working Towards Child friendly Cities.* New York.
- 42- *UNICEF. (2004b). Building Child Friendly Cities: A Framework for Action.* Florence: Innocenti Research Centre: International Secretariat for Child Friendly Cities.
- 43- *UNICEF RC. 2005b. Child Friendly Cities, A Progress Report on the CFC Initiative in Bam, IRAN.* UNICEF Resource Centre. www.unicef.org/iran/IRN_resources_CFC_eng-PDF.pdf.
- 44- *Ward, Colin. (1978). The child in the city. Society, Volume 15, 84-91*
- 45- *Zerner, C.J. (1977). The street hearth of play: Children in the city. Landscape, 22(1), 19-30.*

